

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

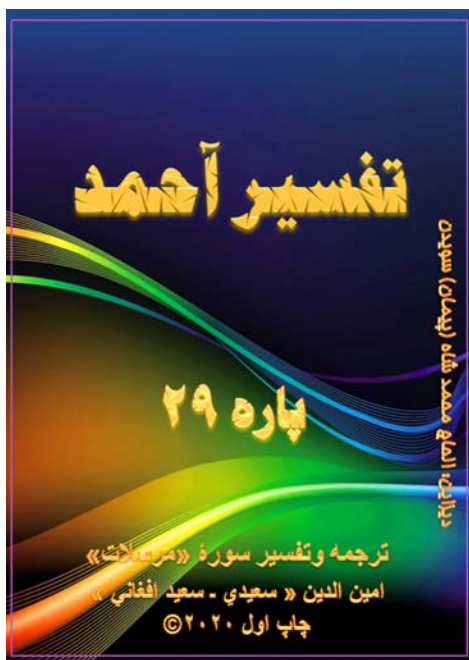
مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین "سعیدی-سعیدافغانی"

۱۵ جون ۲۰۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

سورة مرسلات - ۳



أَلَمْ نُهْلِكِ الْأُولِينَ (۱۶)

آیا ما اقوام (مجرم) نخستین را هلاک نکردیم؟ (۱۶)

ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ (۱۷)

سپس به دنبال آنان دیگران را هم [به سبب تکذیبشان] هلاک می کنیم. (۱۷)

در آیات متبرکه (أَلَمْ نُهْلِكِ الْأُولِينَ، ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ) اشاره به قوم عاد، قوم لوط، قوم فرعون و غیره می باشد و در جمله «ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ» مطابق قرائت مشهور و معروف با سکون عین عطف بر «نُهْلِكِ» است، که معنایش این است: آیا ما بعد از اولین، آخرین را پشت سر آنها هلاک نکردیم، لذا مراد آخرین همان بازماندگان امتهای گذشته می باشند، که هلاکت آنها قبل از نزول قرآن به وقوع پیوسته است، و در قرائت دیگر «ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ» با ضم عین آمده است، که

مطابق به آن، این جمله مستقل است، و هدف آن از آخرین کفار امت محمدی صلی الله علیه وسلم است، که از خیردادن از هلاکت امتهای گذشته، خبر از هلاکت کفار اهل مکه است، که بعداً در غزوه بدر و غیره عذابی به وسیله مسلمانان بر آنها واقع شد.

تفاوتش فقط همین است که بر امتهای گذشته عذاب آسمانی نازل می شد، که همه قریه ها و قصبات از بین می رفتند، و برای امت محمدی به جهت آن حضرت صلی الله علیه وسلم اکرام و اعزاز خاصی انجام گرفت، که بر کفار این امت عذاب آسمانی نمی آید، بلکه به عذاب مختلف النوع دیگر مبتلا می شوند.

كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (۱۸)

(بلی) ما با گناهکاران چنین رفتار کنیم (۱۸)

وَيَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۱۹)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۱۹)

أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ (۲۰)

آیا شما را از آبی حقیر نیافریده‌ایم؟ (۲۰)

آب منی :

آب منی آب مرد حاوی اسپرم است. که در خود ترکیبات مختلف را دارا می باشد از جمله فروکتوز، پروستگلدین، ویتامین سی، روی، پروتئین، اسید لاکتیک، منیزیم، کلرید کلسیم، اسید سیتریک، کراتین، پتاسیم، ویتامین ب ۱۲، سدیم، نیتروژن و فسفر.

در علم لغت، «مهین» از ماده «مهن» را ضعیف، حقیر و قلیل معنی نموده اند، ولی باید گفت «منی» تا زمانی که منی است، کسی برای آن ارزش قائل نمی باشد، ولی بعد از این که در رحم مادر رشد و دارای حیات می شود مورد اهتمام و توجه علم قرار می گیرد.

کلمه مهین که به معنای ضعیف و حقیر و ناچیز است اشاره به وضع ظاهری آن می باشد و گر نه «منی» از جمله اسرار آمیزترین موجودات به شمار می رود.

البته این هیچ جای شکی نیست با این حجم کم و ناچیزی که دارد، دارای بوی بد و ناخوشایند می باشد و برای انسان ها هم بی ارزش است.

«ماء مهین» به معنی آبی خوار و پست است، که خودش نمی تواند خود را نگه دارد. اطباء بدین نظر اند که : از نظر علمی اگر آب منی در جایگاه مناسب قرار نگیرد، به سرعت و ظرف چند دقیقه، خصوصیت و قابلیت تبدیل شدن به موجود زنده را از دست می دهد. این نیز می تواند اشاره به ضعف و ناچیز بودن آن باشد.

به بیانی دیگر؛ درست است منی از این حیث (دارنده اسپرم های زیاد) ارزشمند است، ولی این قابلیت است که بالقوه دارد نه بالفعل. ما بایستی وضع فعلی او را در نظر بگیریم، زیرا آیت هم اشاره به همان است. بالفعل و در حال حاضر، او مایع ناچیز و ضعیف و بی ارزش است؛ افزون بر این که اگر در مکان مناسب قرار نگیرد، به سرعت، همه قابلیت خود را از دست داده و کاملاً بی ارزش می شود. از این رو آب منی مایع که نزد مردم بی ارزش است و متعفن و خیلی زود هم قابلیت و اثر خود را از دست می دهد، چنین تعبیری برای او مناسب است.

فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ (۲۱)

پس آن را در جایگاهی محفوظ و استوار (رحم مادر) قرار دادیم. (۲۱)

یعنی نطفه را (از صلب پدر) به قرارگاه استوار (رحم) منتقل ساختیم.

یکی از جاهائی که منی در آن ساخته می شود، غدهٔ وزیکولی است، این غده در لگن خاصره قرار دارد که با انزال خارج می شود. منی سالم دارای حداقل ۲۰ میلیون اسپرم در هر میلی لیتر از مایع منی و طبق جدیدترین ستنرد سازمان صحت جهانی ۱۵ میلیون اسپرم در هر میلی لیتر از مایع منی وجود دارد.

وقتی مایع منی داخل رحم زن تخلیه می شود، اسپرم ها به سرعت شنا کرده و در عرض کمتر از ۲ دقیقه خودشان را به داخل دهانه رحم می رسانند. وقتی داخل دهانه رحم شدند، دیگر جاذبه زمین تأثیر چندانی در خروج آنها نخواهد داشت.

إِلَى قَدَرٍ مَّعْلُومٍ (۲۲)

تا مدتی معین (در رحم بماند). (۲۲)

فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ (۲۳)

پس اندازه گرفتیم، پس چه خوب اندازه گیرنده ایم. (۲۳)

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۲۴)

در چنین روز وای بر تکذیب‌کنندگان. (۲۴)

«وَيَلَّ» همچنان به معنی هلاکت و بربادی است و در روایات حدیث آمده است که ویل نام رودی است در جهنم که در آن ریم و خون جراحتهای اهل جهنم جمع می‌شوند که مسکن مکذبین قرار داده می‌شود.

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا (۲۵)

مگر زمین را محل اجتماع نگردانیدیم (۲۵)

«فَاتًا» «جمع کننده، جایگاه تجمع».

أَحْيَاءَ وَأَمْواتًا (۲۶)

هم در حال حیات و زندگی شان و هم مرگ شان (۲۶)

یعنی: زمین در سطح خود فراگیر زندگان است و زندگان بر روی آن حیات به سر می‌برند، و برای خود در آن منازل و محلات رهاشی می‌سازند، در ضمن همین زمین است که در بطن خود مردگان را جمع و تا روز قیامت نگاه داری می‌نماید. به صورت کل گفته می‌توانیم که زمین «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا أَحْيَاءَ وَ أَمْواتًا» (آیات ۲۵ و ۲۶ مرسلات) (آیا زمین را محل اجتماع زنده ها و مرده ها قرار ندادیم؟).

وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَّ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا (۲۷)

و کوه های بلند در آن قرار دادیم و به شما آبی شیرین نوشاندیم (۲۷)

«شُمُخَاتٍ» «جمع شامخ، بلند، استوار، سر به فلک کشیده».

«فُرَاتًا» «شیرین، گوارا».

در «رَوَاسِيَّ شَامِخَاتٍ وَ أَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً» کوهها به حیث منابع تأمین آب مورد نیاز برای بشر معرفی گردیده است. واقعاً موجودیت کوه های استوار و بلند، از نعمت های الهی برای بشر و تأثیرگذار در زندگی انسان ها است.

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۲۸)

وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان. (۲۸)

کذب و دروغ:

قبل از همه باید گفت که ریشه و زیربنای همه جرم‌ها و اکاذیب از عقاید فاسد سرچشمه می‌گیرد. زیرا شخصی که معتقد نباشد، حق را تکذیب کرده و در نتیجه به هر کار خلاف که امکان دسترسی به آن پیدا کند، دست می‌زند.

خواننده محترم!

کذب از جمله بدترین معایب، زشت‌ترین گناه و منشاء بسیاری از مفسدات است و بالطبع از کارهای زشت و ناپسند و عادت به آن از رذایل اخلاقی و از گناهان کبیره به شمار می‌رود. تا ضرورت و مصلحت مهمی در میان نباشد، دروغ گفتن جایز نیست.

بناءً گفته می‌توانیم که خلقت و طبیعت بر حقیقت و راستی استوار است، لیکن این انسان ظالم و ستمکار است که حق را با باطل به هم آمیخته و آن را وارونه جلوه می‌دهد، زیرا باطل محض را نمی‌شود به مردم ارائه داد که طبع حقیقت جوی مردم خود به خود آن را دفع می‌کند.

معنای دروغ:

کذب بر وزن وزر و کتف به معنی دروغ گفتن است. صحاح و قاموس و اقرب و غیره هر دو وزن را مصدر گفته‌اند ولی استعمال قرآن نشان می‌دهد که کذب بر وزن وزر مصدر است. تکذیب آن است که دیگری را به دروغ نسبت دهد و بگوئی دروغ می‌گوید. کذاب مبالغه است یعنی بسیار دروغگو «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ» (آیت ۲۸ سوره غافر) کاذبه مصدر است مثل عاقبه، عافیه و باقیه «إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ - لَيْسَ لَوْفَعَتِهَا كَاذِبَةٌ» (سوره واقعه آیات ۱ و ۲).

صفات مکذبین در قرآن:

۱- استکبار: قرآن عظیم الشأن در (آیت ۲۲ ، سوره نحل) می‌فرماید: «فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ» (پس کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، دل‌هایشان (حق را) انکار کند ، و خودشان مستکبرند).
۲- تجاوز: طوری که می‌فرماید: «وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ، الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ، وَ مَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ» (سوره مطففین/ ۱۰ تا ۱۲) (درچنین روز وای بر کذب ورزان ، کسانی که روز جزا را انکار می‌کنند و به جز هر تجاوز پیشه گناهکار کسی آن را انکار نمی‌کند).

۳- ترک نماز: طوری که می‌فرماید: «وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ* وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ» (مرسلات/ ۴۷ تا ۴۸) (وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند. و هر گاه به آنها گفته شود که نماز و طاعت خدا را به جای آرید اطاعت نکنند).

۴- تکبر: طوری که در (آیت ۶۰ سوره زمر) آمده است: «وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ» (و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند بنگری که روی همه شان سیاه شده است (رسوای خدا و خلق گردیدند) آیا در جهنم جایگاهی برای متکبران نیست؟

۵- سازش: «فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ* وَدُوا لَوْ تَدَّهِنُ قَيْدَهُنَّ» (قلم/ ۸ تا ۹) (پس هرگز از مردم کافری که آیات خدا را تکذیب می‌کنند پیروی مکن* کافران بسیار مایل اند که تو با آنها مدهانه و مدارا کنی (و متعرض بت های شان نشوی) تا آنها هم (به نفاق) با تو مدهانه و مدارا کنند).

۶- ظلم: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّالِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ» (سوره یونس/ ۳۹) (بلکه انکار چیزی را می‌کنند که علم شان به آن احاطه نیافته و حقیقت و باطن آن هنوز به آنان نرسیده است، پیشینیان هم این چنین رسل و آیات خدا را تکذیب کردند، پس بنگر عاقبت کار ستمکاران عالم به کجا کشید!)

۷- گمراهی: «ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيْهَا الضَّالُّونَ الْمُكذَّبُونَ» (سوره واقعه / ۵۱) (آن گاه شما ای گمراهان منکر .)
۸- گناه : « وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ* أَلَمْ نَهْلِكِ الْأَوَّلِينَ* ثُمَّ نُنْبِئُهُمُ الْآخِرِينَ* كَذَّالِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ» (سوره مرسلات/ ۵ تا ۸) (وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند* آیا ما پیشینیان را (به کیفر کفر) هلاک

نکردیم؟ *از پی آنان آیندگان را (که منکران قرآن باشند) نیز هلاک می‌کنیم. ما بدکاران عالم را همین گونه هلاک می‌سازیم. (

۹- لهو گرامی: «فَوَيْلٌ لِلْمُكَذِّبِينَ، الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ» (سوره طور/ ۱ تا ۱۲) (در آن روز سخت وای بر آنان که (وعده حق و کتاب و رسول او را) تکذیب کردند* آنان که به بازیچه دنیا فرو شدند).

یکی از مشکلات جامعه امروزی، رواج دروغگوئی در میان افراد جامعه می باشد. برخی ها به بهانه های مختلفی دروغ گفته و آن را براحتی توجیه می کنند. به طوری که گوئی توجه ندارند که دروغ یکی از گناهان کبیره بوده و دروغگو در معرض لعن خداوند متعال می باشد و در قرآن و روایات اهل بیت «علیهم السلام» از آن به شدت نهی شده است.

انْطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۲۹)

به سوی چیزی که دروغ می شمردید بروید (۲۹)

«انْطَلِقُوا»: بروید، رهسپار شوید. روان شوید. «ما»: مراد دوزخ است.»

انْطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ (۳۰)

به سوی دودی دارای سه شاخه بروید. (۳۰)

«ظِلٌّ»: سایه. مراد دود سیاه و پرحرارتی است که از دوزخ برمی‌خیزد.

نار جهنم: معنی کلمه «نار» در لغت عربی مشهور و طبق قواعد زبان جزو اسماء مؤنث، تصغیر اش نویره و جمع آن نیران و نیار است (لسان العرب).

و در اصطلاح شریعت نیز به معنای: منزل و اقامتگاهی است که پروردگار توانا آن را برای تعذیب و شکنجه کافران، منافقان و گناهکاران مسلمان آماده ساخته است.

برخی از خصوصیات جهنم:

گرمای طاقت فرسا: پروردگار با عظمت مدت یک هزار سال آتش بسیار سخت و سوزان دوزخ را برافروخته تا سرخ گردد، هزار سال دیگر هم این کار ادامه خواهد داشت تا سفید شود و بالاخره یک هزار دیگر نیز ادامه داشته تا سیاه گردد، آنگاه متکبران و مخالفان دین الله (ج) به درون این آتش کاملاً سیاه و سوزان که شدت گرمایش ما فوق تصور بشر است، انداخته شده و اعضای بدنشان متلاشی می‌گردد.

حضرت ابو هریره (رض) در این زمینه از پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل می‌کند:

«نَارُكُمْ هَذِهِ الَّتِي يُوقَدُ ابْنُ آدَمَ جُزْءًا مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنْ حَرِّ جَهَنَّمَ. قَالُوا: وَاللَّهِ إِنْ كَانَتْ لَكَاغِيَةً يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: فَإِنَّهَا فَضَلَتْ عَلَيْهَا بِسَعَةِ وَسَبْتَيْنِ جُزْءًا كُلُّهَا مِثْلُ حَرِّهَا». (آتش دنیا که انسان‌ها را می‌سوزاند قسمتی از هفتاد قسمت آتش دوزخ است. حصار گفتند: سوگند به الله (ج) اگر شدت گرمایش به اندازه آتش دنیا هم بود کفایت می‌کرد. پیامبر فرمود: گرمای هر کدام از شصت و نه قسمت دیگر آتش دوزخ مانند آتش دنیا است).

ادامه دارد